

وقتی که بزرگ میشی و نگاهی میکنی به هم سن و سالانت،
حالات و شخصیت و زندگیشون رو مد نظر قرار میدی
دلت میخواست بری دست و پای "پدرت" رو ببوسی
سفت در آغوشش بکشی

دورش بگردی، براش ترانه ترانه بخونی
دستای پر برکتش رو بزاری رو چشات
لبهات رو بزاری رو پیشونی آسمونیش
که نگذاشت؛

تو بچگی و نوجوونی هر "کار غلطی" رو
که دلت میخواست انجام بدی...

راز "گیر"های پدر رو وقتی متوجه میشی
که بلوغ فکری پیدا کنی و "بزرگ" بشی
"پدر بهشتی ام" روزت مبارک

